

Research article

Evaluation of factors affecting the expansion of Zarbaft carpet production in the Safavid period based on the tradition of donation

Seyedeh Akram Oliyai Tabaei¹, Amirhossein Chitsazian², Abbas Akbari³

1- PhD student of Islamic arts, Department of Advanced Arts Studies, Faculty of Architecture and Art, Kashan University, kashan.

2- Associate Professor, Department of Advanced Arts Studies, Faculty of Architecture and Art, Kashan University, kashan. (Corresponding Author)

2- Associate Professor, Department of Advanced Arts Studies, Faculty of Architecture and Art, Kashan University, kashan.

<https://doi.org/10.22077/nia.2026.11134.2055>

Received: 02 May 2026, **Revised:** 17 Sep 2026, **Accepted:** 20 Sep 2026

Abstract

Among the collection of exquisite hand-woven carpets throughout Iranian history, a group of carpets called Zarbaft carpets were introduced, and their characteristic was the presence of gold and silver threads woven in the middle as a weft. This group of carpets spent a time at its peak, especially during the Safavid period, and then declined due to various factors and reasons. One of the influential factors in the expansion of the production of these carpets, which also played a role in other works of art of that period, was the donation and offering of gold-embroidered carpets. Therefore, the purpose of this research is to assess the contexts that influenced the donation of Zarbaft carpets in this period and led to the expansion of their production in the Safavid period. With the question of what political _cultural, and religious factors played a role in the donation of Zarbaft carpets in the Safavid period?

This research is of a fundamental type with a historical approach in terms of its purpose and is descriptive-analytical in terms of its method. The method of collecting information was library and fieldwork, and the data was assessed qualitatively. Its statistical population was donated and commissioned Zarbaft rugs and kilims mentioned in texts or available in domestic and foreign museums and collections, and the number of samples also includes about 15 of this population, and only descriptions are given of the rest and there are no images. Therefore, given the lack of remaining visual documentation of the donated samples, the evaluation was based mostly on the descriptions of the sources. The results of the study show that political-cultural and religious backgrounds were influential factors in the donation of woven carpets during the Safavid period, and this also encouraged the government to support the expansion of their production. Among the political-cultural reasons and factors for the donation of woven carpets are the carpets presented at the coronation ceremonies of the Ottoman and Venetian kings, which were carried out both to introduce their art to the West and to introduce the aristocratic lifestyle of the Safavid court and kings. The religious reasons for the donation of some of these carpets were also influenced by the interest and fanaticism of the Safavid kings towards the Shiite religion and the infallible Imams and also their devotion to their descendants and predecessors, which led them to weave woven carpets, some of which also had religious writings, specifically for these places and present them to their courts, such as Najaf Ashraf, Mashhad, and the tomb of Sheikh Safi al-Din Ardebili.

Key words: Iran Zarbaft Carpet, Cultural factors, religious factors, political factors, tradition of donation.

1- Email: oliyai@shirazartu.ac.ir

2- Email: chitsazian@kashanu.ac.ir

2- Email: abbas_a_uk@yahoo.com



Copyright © 2026 by the Authors

Published by [University of Birjand](#). Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

مقاله پژوهشی

ارزیابی عوامل مؤثر بر گسترش تولید فرش زربفت در دوره صفوی براساس سنت اهداء*

سیده اکرم اولیائی طبائی^۱، امیرحسین چیت سازیان^۲، عباس اکبری^۳

۱- دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲- دانشیار، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)

۳- دانشیار، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

<https://doi.org/10.22077/nia.2026.11134.2055>

دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲، بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۲۶، پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹

چکیده

در میان مجموعه فرش‌های نفیس دست‌بافت در طول تاریخ ایران، گروهی از فرش‌ها به نام فرش‌های زربفت معرفی شدند و ویژگی آن‌ها داشتن رشته‌های طلا و نقره‌ای بود که به شکل پود کمکی در میان بافته نمود می‌یافت. این گروه از فرش‌ها زمانی را، به‌ویژه در دوره صفوی در اوج سپری کردند و سپس بنا به عوامل گوناگون دچار رکود شدند. یکی از عوامل تأثیرگذار در گسترش تولید این فرش‌ها که در دیگر آثار هنری آن دوره نیز نقش داشتند، امر اهدا و پیشکشی فرش‌های زربفت بوده است؛ از این‌رو هدف از این پژوهش سنجش زمینه‌هایی است که بر اهدای فرش‌های زربفت در این دوره مؤثر بودند و سبب گسترش تولید آن در دوره صفوی شدند. با این سؤال که چه عوامل سیاسی-فرهنگی و اعتقادی در اهدای فرش‌های زربفت در دوره صفوی نقش داشتند؟ این پژوهش از منظر هدف از نوع بنیادی با رویکرد تاریخی، و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی و سنجش داده‌ها به صورت کیفی بوده است. جامعه آماری، قالی و گلیم‌های زربفت سفارشی و اهدائی ذکرشده در متون و یا موجود در موزه‌ها و مجموعه‌های داخلی و خارجی است و تعداد نمونه نیز حدود ۱۵ عدد از این جامعه را دربرمی‌گیرد و از باقی، تنها توصیفاتی آورده شده و تصویری موجود نیست؛ بنابراین، با توجه به کمبود مستندات تصویری باقی‌مانده از نمونه‌های اهدائی، ارزیابی صورت گرفته بیشتر مبتنی بر توصیفات منابع است. نتایج نشان داد که زمینه‌های سیاسی-فرهنگی و اعتقادی، از عوامل تأثیرگذار در اهدای فرش‌های زربفت در دوره صفوی بودند و این مسئله همچنین موجب ترغیب حکومت برای حمایت در گسترش تولید آن‌ها نیز شد. از جمله علل و عوامل سیاسی-فرهنگی اهدای فرش‌های زربفت، می‌توان به فرش‌های پیشکشی در مراسم تاجگذاری پادشاهان عثمانی و ونیز اشاره کرد که هم به‌منظور شناساندن هنر خود به غرب و هم معرفی سبک زندگی اشرافی دربار و شاهان صفوی انجام می‌گرفت. دلایل اعتقادی اهدای برخی از این فرش‌ها نیز متأثر از علاقه و تعصب شاهان صفوی به مذهب شیعه و امامان معصوم (ع) و همچنین ارادت به اخلاف و پیشینیان خود بود که سبب شد زربفت‌هایی را که برخی دارای نوشته‌های مذهبی نیز بودند، ویژه این اماکن ببافند و به بارگاه‌ها، همچون نجف اشرف، مشهد مقدس و بقعه شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی تقدیم کنند.

واژه‌های کلیدی: فرش زربفت ایران، عوامل فرهنگی، عوامل اعتقادی، عوامل سیاسی، سنت اهدا.

1- Email: oliyaei@shirazartu.ac.ir

2- Email: chitsazian@kashanu.ac.ir

3- Email: abbas_a_uk@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از رساله تحصیلی دانشجو در مقطع دکتری هنرهای اسلامی با موضوع "تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری، گسترش و افول فرش زربفت در ایران" است.



Copyright © 2026 by the Authors

Published by [University of Birjand](https://www.birjand.ac.ir). Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

فرش دست‌بافت به مفهوم هرچیزی که امکان گستردن و پهن کردن داشته باشد، تا مدت‌های طولانی تنها برای رفع نیازهای روزمره انسان تهیه می‌شد و مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ اما به تدریج علاوه بر پاسخگویی به نیازهای معمول، کاربردهای بیشتری یافت و با استفاده از امکانات هنری، وارد عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مختلف شد و این گونه شکوفایی خود را در جایگاه‌های گوناگون به رخ اصحاب قدرت و مکتب کشید. از این موارد، یکی فرش زربفت است که در بافت آن از الیاف فلزی نازک از جنس نقره یا نقره با روکش طلا و گلابتون (ابریشم با روکش طلا یا نقره) در رنگ‌بندی‌های انواع طلایی، نقره‌ای و رزطلایی به عنوان پود کمکی (تزینی) استفاده شده و محصول نهایی به شکل قالی، گلیم یا گلیم فرش است. آن طور که مکتوبات، منابع تاریخی و آثار به جای مانده نشان می‌دهند، دوره صفوی، اوج گسترش تولید منسوج و فرش‌های نفیس ابریشمین، به ویژه زربفت، در ایران بوده است. این بافته‌ها که اغلب تحت حمایت و نظارت حکومت و دربار صفوی تولید می‌شدند، در بازه زمانی اوایل سده دهم تا اواخر سده یازدهم هجری، در اوج رونق تولید خود بودند و در اواخر این حکومت دچار رکود شدند؛ از این رو شناسایی و تحلیل زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار در گسترش تولید این فرش در آن دوره می‌تواند راهگشای هنر فرش زربفت در عصر حاضر باشد؛ اما یکی از این عوامل که به نظر در گسترش تولید فرش زربفت تأثیر داشت، سنت اهدا و پیشکشی بود که به دلایل و عوامل مختلف در آن دوره انجام می‌گرفت؛ البته اهدای فرش‌های زربفت، تنها عامل مؤثر در گسترش تولید این فرش‌ها در دوره صفوی نبود. با این حال هدف از این پژوهش، سنجش عواملی است که در اهدای فرش‌های زربفت در این دوره مؤثر بودند و تا حدودی سبب گسترش تولید این گونه فرش‌ها در دوره صفوی شدند؛ با این سؤال که چه عوامل سیاسی-فرهنگی و اعتقادی در اهدای فرش‌های زربفت در دوره صفوی نقش داشتند؟

پیشینه تحقیق

با مطالعه منابع مرتبط درمی‌یابیم که تاکنون کمتر به صورت مستقل به موضوعات فرش‌های زربفت پرداخته شده و آنچه

هست اغلب معرفی کلی و بیان طرح و نقش و نهایتاً مسائل فنی و آسیب‌شناسی آن‌هاست که به صورت پراکنده و در لابه‌لای سفرنامه‌ها و کتب و مقالات آمده است. با وجود این، می‌توان مطالبی را از این منابع استخراج کرد و براساس سؤال طرح شده به آن‌ها انسجام بخشید که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

کریمی و دیگران (۱۴۰۴)، در مقاله «فن‌شناسی و آسیب‌شناسی قالی زربفت سالتینگ موزه فرش»، به بررسی ویژگی‌های هنری و فنی و آسیب‌شناسی یکی از قالی‌های زربفت دوره صفوی پرداخته‌اند و آن را از نظر خصوصیات ظاهری و آسیب‌های وارده بررسی کرده‌اند. بختیاری و دیگران (۱۴۰۱)، در مقاله «بررسی عوامل مؤثر در فرش‌اندوزی اروپاییان در دوره صفوی (سده‌های دهم و یازدهم ه.ق.)»، به نقش سنت پیشکشی و اهدای قالی‌های ایرانی به سفرا و دربار اروپایی‌ها در شکل‌گیری مجموعه‌های غربی اشاره می‌کنند که به دو صورت انجام می‌گرفت: از یک سو، اهدای قالی به اروپایی‌ها در خاک ایران و از طرف دیگر، ارسال پیشکشی‌های درباری به دربار اروپا. با توجه به اطلاعات موجود، از اواسط قرن دهم ه.ق. به بعد، این دو روش از مهم‌ترین راه‌های فرش‌اندوزی اروپایی‌ها بودند و با توجه به منابع موجود، برخی از این هدایا فرش‌های زربفت را دربرمی‌گرفتند. ملکوتی و دیگران (۱۳۹۹)، در کتاب قالی‌های زربفت صفوی، به معرفی این قالی‌ها در دوره صفویه و شناسایی فرش‌های زربفت موجود در موزه‌های جهان که برخی هدیه بودند، می‌پردازند. اشپولر (۱۳۹۷)، در کتاب فرش‌های پیش از اسلام و منسوجاتی از خاورزمین، علاوه بر معرفی نمایش تکه‌فرش‌های باقی مانده از دوره ساسانی، به بیان شیوه بافت فرش‌های زربفت در این دوره و مقایسه آن با شیوه بافت گلیم‌های مکشوفه از شهر بلخ در شمال افغانستان، می‌پردازد. اکبری (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی فرش‌های دوره صفویه و قاجاریه»، به بررسی ۳۵ تخته از فرش‌های نفیس و حتی زربفت موجود در موزه آستان قدس رضوی متعلق به دوره صفوی و قاجار می‌پردازد و آن‌ها را تنها از جهت طرح و نقش با یکدیگر مقایسه می‌کند. ژوله (۱۳۹۲) در کتاب شناخت فرش، ضمن معرفی فرش ایران، به تحولات ایجادشده در دوره صفوی که منجر به تولید گروه بزرگی از فرش‌های نفیس شد، می‌پردازد

که هم در طرح و نقش و هم در شیوه بافت، همچون فرش‌های زربفت، متمایز بودند.

بدین ترتیب در منابع مذکور به‌ندرت به عوامل و زمینه‌های تأثیرگذار در شکوفایی این قبیل فرش‌ها اشاره شده است. تمایز پژوهش حاضر ضمن بررسی عوامل سیاسی-فرهنگی و اعتقادی مؤثر در گسترش این فرش بر امر اهدا و پیشکشی است که تا چه حد می‌توانست در رونق این تولیدات نقش داشته باشند.

مبانی نظری

این پژوهش از نوع بنیادی با رویکرد تاریخی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته و سنجش داده‌ها به‌صورت کیفی بوده است. جامعه آماری آن، قالی و گلیم‌های زربفت سفارشی و اهدائی ذکرشده در متون و یا موجود در موزه‌ها و مجموعه‌های داخلی و خارجی است. تعداد نمونه نیز حدود ۱۵ عدد از این جامعه را دربرمی‌گیرد؛ اما از آنجاکه از مابقی نمونه‌ها، تصویری موجود نیست، به شرح توصیفات آن‌ها از منابع اکتفا کردیم؛ بنابراین، با توجه به کمبود مستندات تصویری از نمونه‌های اهدائی، ارزیابی صورت‌گرفته براساس توصیفات ذکرشده در منابع انجام شد.

۱. سنت اهدا

هدیه‌دادن و هدیه‌گرفتن یکی از سنت‌های رایج و قدیمی در بین انسان‌هاست که با ایجاد پیوندهای اعتماد میان آن‌ها، به حفظ روابط دوستانه نیز در بین گروه‌های مختلف کمک می‌کند. این سنت از دیرباز با مردم بوده و فقط نوع هدیه است که در هر ملتی متفاوت بوده و در طول زمان نیز مفهوم هدیه و نوع آن تغییر کرده است. همچنین انتخاب نوع هدیه براساس سلیقه و ویژگی‌های هر فرد، بیشترین تأثیر را روی او می‌گذارد. این رفتار گاهی برای ابراز محبت به یکدیگر و یا نشان‌دادن موقعیت اجتماعی و میزان قدرت فرد است. هدیه‌دادن بخشی از فرهنگ هر کشور است و نوع هدایا در گذشته، بیش از حال بیانگر باورها و آداب و رسوم مردم هر منطقه بوده است (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۷۴). با این حال سنت اهدا و پیشکشی در میان افراد و جوامع به اشکال مختلف و در زمان و مناسبات گوناگون

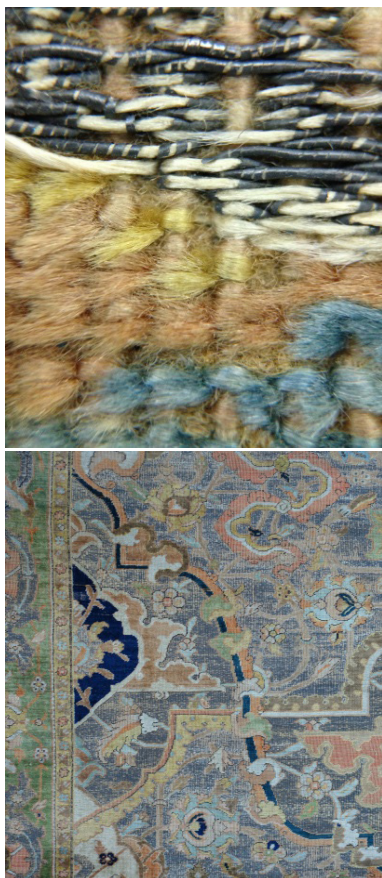
اتفاق می‌افتد. در ایران نیز این فرهنگ جاری بوده و گاهی ازسوی بزرگان و پادشاهان به افراد زیردست یا درباریان در مراسم بارعام و یا به سفرا و حتی پادشاهان دیگر سرزمین‌ها و گاهی نیز ازسوی حکام ولایات و یا سفرا و بزرگان دیگر کشورها به شاه ایران، تقدیم می‌شده است؛ از این‌رو، امری دوجانبه بوده است؛ اما نکته جالب توجه در بحث اهدا این است که معمولاً اشیائی که برای این منظور ردوبدل می‌شدند، از کالاهای نفیس و گرانبها انتخاب می‌شدند تا هم نشان‌دهنده سخاوت اهداکننده باشد و هم نظر دریافت‌کننده را به‌خوبی جلب کند که در دوره صفوی فرش‌های ابریشمی و یا زربفت در این مقوله قرار داشتند.

لازم به ذکر است که زمینه‌های مختلفی، نظیر عوامل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی در گسترش فرش زربفت تأثیرگذار بوده‌اند؛ اما تمرکز اصلی در این مقاله، عوامل سیاسی-فرهنگی و اعتقادی مؤثر بر امر پیشکشی فرش زربفت است که درنهایت موجب گسترش تولید آن در دوره صفوی شد.

۲. فرش زربفت و انواع آن

فرش زربفت فرشی است که در فرآیند شکل‌گیری آن، از طلا و نقره به‌شکل الیاف نازک و یا در ترکیب با ابریشم به‌صورت نخ گلابتون در قالب پود تزیینی، بهره گرفته شده باشد. این فرش که پیشینه بافت آن به منسوجات ابریشمی و زربفت در زمان هخامنشی می‌رسد؛ با پیشرفت علم و هنر توسعه پیدا کرد و در دوران صفوی به اوج شکوفایی خود رسید. این فرش‌ها در قالب گلیم‌های تخت‌بافت و قالی (گلیم‌فرش) و در دو گروه بیشتر از سایر فرش‌های صفوی خودنمایی کردند که شامل گروه فرش‌های موسوم به پولونز و سالتینگ هستند.

قالی‌های سالتینگ^۱ گروهی از فرش‌های زربفت دوره صفوی را از اوایل قرن دهم هجری تشکیل می‌دهند که نامشان از جرج سالتینگ، اخذ شده است (ملکوتی، ۱۳۹۹: ۸۰). بررسی تاریخ تولید و بافت این قالی‌ها نسبت به فرش‌های پولونز، قدمت آن‌ها را حدود نیم قرن پیش از قالی‌های پولونز تخمین زده است و عمدتاً از زمان شاه طهماسب به بعد بافته شده‌اند. این قالی‌ها دارای دو ویژگی هستند: ۱. دارای تار ابریشم، پرز پشم و پودهای تزیینی گلابتون هستند و ۲. طرح‌های به‌کاررفته در آن‌ها عموماً



تصویر ۱. نمایی از قالی تمام ابریشم معروف به پولونز، قرن یازدهم هجری، بافت اصفهان، محل نگهداری موزه فرش ایران؛ روکش نقره نخ‌های گلابتون با گذشت زمان دچار ریختگی شده و ابریشم زیرین آن نمایان شده است (تصاویر موزه فرش ایران، به شماره اموال 152-en)

۴. فنون بافت

بافت قالی‌های زربفت دوره صفوی به چند شیوه انجام می‌گرفت و در قسمت‌هایی از قالی که شامل زمینه، نوارهای اسلیمی، بخش‌هایی از گل و برگ و سراسلیمی‌ها در متن و حاشیه آن بود، توسط نخ گلابتون، زربفت می‌شد و بقیه نواحی، توسط خامه ابریشم یا پشم گره زده می‌شد و بافته، نمایی برجسته، همچون گلیم فرش پیدا می‌کرد. گلابتون نیز در این بافته‌ها به صورت پود تزئینی در امتداد گره‌های فرش در هر رج عبور داده می‌شد و تنها تارهای رویی فرش (زیر چوب هاف) را درگیر می‌کرد؛ سپس با عبور پود نازک و ضخیم به صورت سراسری، کل تارهای زیر و روی چوب هاف به یکدیگر متصل می‌شدند. در این حالت در پشت قالی دیگر اثری از نخ گلابتون دیده نمی‌شد و آنچه نمایان بود، تنها پود نازک و سفیدی‌های نخ چله بود (تصویر ۲).

لچک و ترنج و نقوش گیاهی، اسلیمی، ختایی و جانوری است و در حواشی و متن آن‌ها تصویر قاب‌هایی به هم پیوسته وجود دارد که درون آن‌ها با خطوط یا ایبانی توسط نخ گلابتون و به شیوه صوف، زربافی شده است؛ از این رو وجه تمایز این قالی‌ها از نظر ظاهر نسبت به قالی‌های پولونز و دیگر فرش‌های دوره صفوی، در وجود کتیبه‌های خطدار در متن و حاشیه قالی است.

فرش‌های موسوم به پولونز^۲ (لهستانی) نیز به گروهی از فرش‌ها گفته می‌شود که در اوایل قرن یازده هجری در زمان حکومت شاه عباس اول و به سال (۱۰۱۰ ه.ق.) به سفارش سیگیسموند سوم، پادشاه لهستان و با نظارت بازرگانی ارمنی به نام موراتوویچ در کاشان و حوالی آن تولید و روانه لهستان شدند؛ اما پس از آن به درست یا غلط این عنوان به فرش‌هایی که عمدتاً از نیمه دوم سده دهم تا اواخر سده یازدهم هجری و با عنایت خاص شاه عباس اول در زمان حکومت او تولید شده بودند، داده شد (نصیری، ۱۳۷۴: ۳۱؛ چیت‌سازیان، ۱۳۸۸: ۴۴). ویژگی آن‌ها بدین قرار است: ۱. بیشتر آن‌ها زربفت هستند و از نخ گلابتون به عنوان پود تزئینی در آن‌ها استفاده شده است؛ ۲. اغلب بافت اصفهان، کاشان و جوشقان هستند، یا تمام ابریشم یا تنها پرز آن‌ها ابریشمی است؛ ۳. مشتمل بر رنگ‌های شاد و روشن، همچون زردطلایی، خاکی قهوه‌ای فام، سبزه‌های تیره و روشن، آبی روشن، فیروزه‌ای، قهوه‌ای و نارنجی و پرتقالی هستند و ۴. علاوه بر بافت گلیم، قالی‌ها نیز به صورت گلیم فرش هستند؛ یعنی ترکیبی از بافت گلیم زربفت در زمینه و یا قسمتی از نقوش و نقوش پرزدار ابریشمی با گره نامتقارن (ژوله، ۱۴۰۰: ۳۴).

باید یادآور شد که بافت فرش‌های زربفت، تنها ویژه زمان شاه طهماسب و شاه عباس و در گروه قالی‌های پولونز و سالتینگ نبود و طبق مستندات، تا پایان دوره صفوی نیز فعالیت‌هایی در این خصوص صورت گرفت.

۳. مواد اولیه

مواد اصلی مورد استفاده در بافت فرش‌های زربفت، پنبه، پشم و ابریشم است که به عنوان تار، پود و پرز، مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ اما عمده‌ترین راه شناخت فرش زربفت در دوره صفوی، وجود نخ گلابتونی است که به صورت پود تزئینی در بافت قالی یا گلیم به کار رفته است (تصویر ۱).

۵-۱. عوامل سیاسی- فرهنگی تأثیرگذار در دوره

شاه‌طهماسب اول

از آنجاکه سن برخی از پادشاهان صفوی، همچون شاه‌طهماسب اول در زمان رسیدن به فرمانروایی کم بود، پس از انتصاب به حکمرانی، زمام امور مملکت در دست گروهی از شناخته‌شده‌ترین افراد دربار افتاد. این عامل سبب شد تا بر سر حکمرانی، میان گروهی از سران قزلباش درگیری‌هایی ایجاد شود و طولی نکشید که شاه‌طهماسب جوان با مجموعه‌ای از قیام‌ها و خودسری‌های داخلی روبه‌رو شد (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۶۶؛ آژند، ۱۳۹۳: ۵۰)؛ البته به‌نقل از سیوری، گروهی از این قیام‌ها جنبه عمومی داشتند و ناشی از سختگیری‌های عمال حکومت صفوی بودند. تعدادی دیگر نیز به‌دلیل اختلاف سلیقه یا ادعای دستیابی به قدرت توسط سران حکومت اتفاق می‌افتادند (سیوری، ۱۳۸۴: ۵۱). درخصوص جنگ‌های خارجی نیز از زمان شاه‌اسماعیل اول درگیری‌هایی با ترکان عثمانی آغاز شده بود که اوج آن به نبرد چالدران در سال ۹۲۰ هجری می‌رسد و از طرف شرق نیز ازبک‌ها به طمع دستیابی به نواحی شرقی ایران، تعرضاتی به خاک ایران انجام می‌دادند که با سرکوب صفویان همراه می‌شد (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۶۹-۶۰).

با این حال به‌منظور بهبود روابط میان ایران با کشورهای همسایه که قصد تصرف بخش‌هایی از ایران را داشتند، در زمان صلح، هدایایی میان ایشان ردوبدل می‌شد. البته آشکار است که این هدایا صرفاً از سر دوستی نبود و نقش مهمی در سیاست و جلب نظر طرف مقابل داشتند؛ به‌خصوص با عثمانی‌ها که رقابت شدیدی بر سر مناطق غربی ایران وجود داشت، هدیه‌دادن در حاشیه صلح‌ها، ابزاری برای مدیریت روابط و جلوگیری از منازعات بیشتر بود (اعتمادزاده، ۱۳۵۶: ۱۳۷).

ازجمله هدایای دولت صفوی در زمان شاه‌طهماسب اول می‌توان به یکی از آن‌ها در سال ۹۵۰ ه.ق. مصادف با پناهندگی و حضور محمد همایون سلطان هند به دربار ایران اشاره کرد که شاه‌طهماسب طی فرمانی به حاکم خراسان، از او خواست تا ضمن پذیرایی کامل از محمد همایون، سه جفت قالیچه دوازده‌درعی جوشقانی و یک قالیچه مخمل دوخوابه زربفت به او هدیه دهند که البته تصویری از این فرش‌ها موجود نیست. در جریان فرار و پناهندگی سلطان‌بایزید، پسر سلیمان



تصویر ۲. تصویر تهیه‌شده توسط میکروسکوپ نوری از یک قالی درختی تمام‌ابریشم، سده یازده هجری، (آرشیو تصاویر موزه فرش ایران، به شماره اموال en-229)

۵. عوامل سیاسی- فرهنگی تأثیرگذار بر اهدای فرش

زربفت در دوره صفوی

همان‌طور که ذکر شد، یکی از عوامل فرهنگی مطرح‌شده درخصوص گسترش تولید فرش‌های نفیس و زربفت در دوره صفوی، سنت هدیه‌دادن و پیشکشی است و طبق مستندات موجود که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، این امر در دوره حکومت شاه‌طهماسب و شاه‌عباس اول، بیش از دیگر پادشاهان صفوی و به دو شکل انجام می‌گرفت: ۱. اهدا در خاک ایران؛ مانند هدیه‌دادن قالی به سفرای خارجی پس از اتمام مأموریتشان و ۲. ارسال پیشکشی به سرزمین‌های دیگر از طریق اعزام سفرای ایرانی یا دریافت هدایا از سفرای خارجی (بختیاری و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۹).

همچنین گاهی این فرش‌ها به‌صورت سفارشی از ایران خریداری می‌شدند و به مصارف سیاسی و یا فرهنگی در کشور سفارش‌دهنده می‌رسیدند که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

مجموعه شامل یک تخته قالی ابریشمین زربفت، یک طاقه مخملی با نقش مریم عذرا و کودک و یک نیمتنه زربفت بود که به مناسبت به پادشاهی رسیدن مارینو گریمانی^۳ ارسال شد (پرهام، ۱۳۹۹: ۱۰۵).

منقول است که در یکی از این سفرها، فتحی بیگ، سفیر شاه، با هدایائی نظیر قالی زربفت و طلا و نقره و یک نامه راهی ایتالیا شد که در آن نوشته شده بود: «گنجینه مارک سنت، ارزش داشتن چنین فرش‌های ارزشمندی را در خود دارد» (Banas, 2011: 3)؛ همچنین به نقل از کروسینسکی^۴: «اگرچه فرش‌های زربفت در ایران تولید می‌شدند؛ اما به راحتی می‌توانستند به عنوان یک جنبه سیاسی از زندگی فرهنگی در دیگر جاها نیز مورد استفاده مجدد قرار گیرند» (۲۰۲۴: ۲۴۰). اهمیت و ارزش فرش‌های موسوم به پولونز به قدری بود که حتی بزرگان لهستانی نیز از این فرش‌ها به عنوان هدیه برای رسیدن به اهداف خویش استفاده می‌کردند؛ برای نمونه می‌توان از اهدای یک تخته قالی ابریشمین زربفت با گلابتون‌های طلا و نقره توسط یک نجیب‌زاده اهل کراکوف به ژان سوپسکی سوم^۵، پادشاه لهستان، به مناسبت تولد او اشاره کرد (بختیاری و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۹). بدین ترتیب فرش‌های ابریشمین زربفت، نه تنها برای کشور تولیدکننده آن به عنوان سفیر فرهنگی و هدیه سیاسی محسوب می‌شدند؛ بلکه کشورهای بهره‌مند نیز از فرش‌های زربفت ایرانی به عنوان یک هدیه نفیس برای یکدیگر استفاده می‌کردند. این مطلب نشان می‌دهد که ارزش و اعتبار این فرش‌ها به حدی بود که حتی در روابط سیاسی میان اروپایی‌ها نیز به عنوان هدیه‌ای گران‌بها و نشان‌دهنده ذوق و اعتبار مطرح می‌شد و این امر یک موفقیت سیاسی- فرهنگی برای ایران به شمار می‌آمد که می‌توانست هویت سیاسی و شکوه دربار صفوی را در سطح بین‌المللی بازنمایی کند.

از آنجاکه یکی از اقدامات مؤثر پادشاهان صفوی در کنار سامان‌بخشیدن به اوضاع داخلی کشور، تقویت سیستم نظامی بود؛ ارتباط با غرب برای تهیه سلاح جدید، سبب رواج و گسترش تجارت و رقابت‌های بازرگانی شد که در نهایت جنبه سیاسی یافت و این امر منجر به باز شدن بیشتر پای کشورهای اروپایی به ایران با حمایت دربار صفوی شد. در مقابل به منظور تعامل بیشتر میان این کشورها، سفرایی از سوی ایران راهی سرزمین‌های همسایه و

عثمانی به ایران نیز مجلسی به مناسبت تفقد و دلجویی از او در میدان سعادت‌آباد قزوین برپا شد و فضا و مکان با فرش‌های زرین و سیمین جوشقانی تزیین شد و بنا بر عادت حکومت، در برگشت به او نیز هدایایی پیشکش شد که احتمال می‌رود در میان هدایا فرش‌های زربفت نیز بوده باشد.

در سال ۹۷۵ ه.ق. به مناسبت تاجگذاری سلطان سلیم دوم عثمانی، بیست و پنج تخته فرش نفیس ابریشمی کوچک و بزرگ با نقوش حیوانی و گیاهی توسط شاه طهماسب به وی اهدا شد (فریه، ۱۳۷۴: ۱۲۳؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

در همین سال (۹۷۵ ه.ق.) کاروانی از هدایا به منظور مفروش کردن مسجد جامع نوبنیاد سلیمانیه به قسطنطنیه رسید که این مجموعه شامل بیست عدد قالی بزرگ پارچه ابریشمین و تعداد زیادی قالیچه با نقوش مرغ و جانور و گل‌های زربفت و تعدادی نیز قالی بزرگ پارچه پشمین با بافت همدان و درگزین بود (Hammer, 1963: 520). با توجه به مطلب مذکور که نوع فرش‌های زربفت اهدایی را قالیچه عنوان کرده، متوجه کوچک‌تر بودن ابعاد و اندازه فرش‌های زربفت نسبت به دیگر فرش‌های ابریشمی و پشمی صادر شده، می‌شویم.

۵-۲. عوامل سیاسی- فرهنگی تأثیرگذار در دوره

شاه عباس اول

به نقل از اسکندربیک منشی، قالی‌های ابریشمین و زربفت از کرمان و جوشقان، از جمله هدایای شاه عباس اول به دربار اروپا بود و به سفیر عثمانی تقدیم شدند. علاوه بر این، فرش‌های زربفت و ابریشمین ارزشمند دیگری نیز از کاشان به دیگر سرزمین‌ها و کاخ‌های جهان راه یافت که علاوه بر ارزآوری در مبادلات سیاسی و اقتصادی، به عنوان یک عامل فرهنگی، سبب ایجاد اشتها برای ایران شد (شرلی، ۱۳۷۸: ۵۷).

آنتونی شرلی نیز در سفرنامه خود از میان هدایای ارزشمندی که شاه عباس اول در دربار به مهمانان خارجی داده بود، به فرش‌هایی اشاره می‌کند که چهار تخته از آن، قالی‌های ابریشمین و زردوزی شده و شش تخته از ابریشم خالص بودند (همان: ۵۷) که تصاویری از آن‌ها موجود نیست.

همچنین پنج تخته قالی ابریشمین و زربفت تولید بناهای سلطنتی از اصفهان و کاشان توسط سفیر شاه عباس و در دو نوبت (در سال‌های ۱۰۱۳ و ۱۰۳۱ هـ) راهی ونیز شدند. این

کشورها بود. در زمان حکومت شاه صفی، توسط سفارت ایران، تعدادی پارچه زری و مخمل و شش یا هفت تخته قالی‌های ابریشمین و زربفت بسیار نفیس از نوع قالی‌های منسوب به پولونز، به دوک شلزویگ هولشتاین گوتورپ^۶ تقدیم شد و با آنکه این‌ها در اصل به خانواده سلطنتی دانمارک تعلق داشتند؛ ولی بعدها به کاخ روزنبرگ در کپنهاگ منتقل شدند (Franses, 2008: 18؛ اتینگهاوزن و یارشاطر، ۱۳۷۹: ۳۱۸). تصویر ۵، یکی از هفت قالی‌ای را که در مراسم تاجگذاری پادشاهان دانمارک در اوایل سده یازدهم هجری مورد استفاده قرار می‌گرفت و به نام تاجگذاری نیز معروف است، نشان می‌دهد. این قالی ابریشمین زربفت با نقوش گل و گیاه و اسلیمی‌های ابری است و اکنون در کاخ روزنبرگ^۷ کپنهاگ نگهداری می‌شود.



تصویر ۵. قالی زربفت تاجگذاری، سده یازدهم هـ، محل نگهداری: کاخ روزنبرگ کپنهاگ (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۱۲۵۴)

این گروه از فرش‌های زربفت موجود در موزه امپراتوری کاخ روزنبرگ، نمای بسیار خوبی را از ویژگی کلی فرش‌های موسوم به لهستانی ارائه می‌دهند. تصویر ۶ نیز فرش ابریشمی زربفت کاشان را که متعلق به قرن دهم هجری است، نشان می‌دهد که تارهای آن از پنبه رنگ‌نشده بود و گل‌ها با خامه ابریشم و گره نامتقارن بافته شده و شیوه بافت نواحی زربفت با استفاده از نخ گلابتون در آن همانند دیگر قالی‌های موسوم به پولونز است. نکته جالب توجه در این فرش نوشته سیاه‌رنگی (شاه‌رخ) است

دولت‌های غربی شدند (کرزن، ۱۳۷۳: ۵) که البته این اعزام به دیگر سرزمین‌ها، معمولاً همراه با هدایائی نفیس به‌منظور جلب نظر کشور مقصد و به‌عنوان یک اهرم برای پیشبرد اهداف سیاسی و بازرگانی به شمار می‌آمد و برای این منظور چه چیز می‌توانست ارزشمندتر از ابریشم و فرش‌های نفیس ابریشمی و زربفت باشد؟ بنابراین کیفیت، زیبایی و نفاست این فرش‌ها که اغلب از جنس ابریشم و زربفت بودند، باعث شد تا در اروپا خواهان فراوانی پیدا کنند و نظر سلاطین دیگر کشورها را نیز جلب کنند؛ به‌طوری‌که در سال ۹۲۰ هـ زمانی که سلطان سلیم عثمانی به تبریز حمله کرد، نه تنها غنائم زیادی را به غارت برد؛ بلکه بیش از هزار صنعتگر ایرانی (از جمله هراتی، اصفهانی و شیرازی) و بافندگان را به قسطنطنیه کوچاند تا هنر ایرانی را در قلمرو خود رواج دهد و به هنرمندان ترک بیاموزد (پرایس، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۵۶؛ احسانی، ۱۳۸۶: ۱۷۹). بدین ترتیب فرش زربفت توانست از یک کالای لوکس و هنری به ابزاری قدرتمند در روابط بین‌الملل تبدیل شود. علاوه بر این، سبک زندگی درباری و فضای مناسب سیاسی ایران با دیگر کشورها در حکومت صفوی نیز تأثیر بسزایی در معرفی فرش‌های زربفت به جهان داشت و این فرش‌ها ضمن نمایش تجملات زندگی درباری و ثروت فراوان کشور، نزد جهانگردان خارجی نیز از جاذبه بسیاری بهره‌مند بودند؛ به‌طوری‌که به‌گفته پوپ، فرش‌های زربفت بافته‌شده با نخ گلابتون و تارهای نقره یا نقره‌مطلا، به‌ویژه در زمان شاه‌عباس اول، بیانگر ثروت کشور و سلیقه دوباره احیاشده‌ای همراه با سخاوت برای نمایش تفاخر بودند که کمتر رقیبی در دیگر بافته‌ها و منسوجات داشت. این تفاخر تا اواسط سده یازدهم هجری ادامه پیدا کرد و ثروت و غنای کشور تحت تأثیر فروش فراوان بافته‌های نفیس صفوی بسیار شد و با اینکه شاه‌عباس تعداد فراوانی از هنرمندان را در ساختمان‌های سلطنتی مستقر کرده بود و اغلب، به‌ویژه فرش‌باخان به همان سبک و شیوه دوران شاه‌طهماسب کار می‌کردند، برخی از هنرمندان نیز به‌صورت انفرادی دست به طراحی و تولیدات نوآورانه می‌زدند (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۷۳۷؛ ۱۳۸۰: ۲۱۴).

۵-۳. عوامل سیاسی - فرهنگی تأثیرگذار در دوره

شاه صفی

همان‌طور که ذکر شد، یک شیوه صادرات و حتی اهدا به مقامات دیگر سرزمین‌ها، ارسال هدایا از طریق سفرا در آن

و چهار تخته نیز به آنتونی شرلی در زمان حضور وی در ایران به او اهدا شد؛ اما بخش عمده فرش‌های زربفتی را که به اروپا رسیده، از راه تجاری و خرید توسط بازرگانان می‌داند. در جهت تکمیل این نظریه می‌توان به سفارشات لهستان اشاره کرد که در بهار سال ۱۰۱۰ هـ. سیگیسموند سوم، پادشاه لهستان^۹، یک تاجر ارمنی به نام موراتوویچ^{۱۰} را که مسئول تدارکات و مورد اعتماد دربارش بود، از ورشو به ایران فرستاد. این فرد همان گونه که در سفرنامه خویش بدان اشاره کرده، پس از عبور از مناطق گوناگون به کاشان رسید و در بازدیدی که از اصفهان داشت، به حضور شاه عباس رفت و خود را به عنوان یک تاجر معرفی کرد و مأموریت خویش را خرید سنگ‌های قیمتی، فرش‌های زربفت و تعدادی از محصولات ایران برای صادرات به لهستان اعلام کرد (رکنی و آدام یاشکوفسکی، ۱۳۹۳: ۸۶)؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های موراتوویچ، نظارت بر تولید چند تخته فرش زربفت ابریشمین همراه با نشان سلطنتی لهستان بر روی آن‌ها بود و در فاکتور سفارش نیز مبلغ جداگانه‌ای برای اجرای طرح نشان ملی لهستان در بافته تعبیه شده بود. در نهایت پنج تخته از این فرش‌ها که شامل چهار تخته گلیم و یک قالی بود، به عنوان جهیزیه به کاترینا کونستانزا^{۱۱}، دختر پادشاه لهستان، اهدا شد (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۷۸۲؛ ۸۹: Spuhler, 2011: 89) (تصویر ۳).



تصویر ۳. گلیم ابریشمی و زربفت صفوی با ریشه‌های ابریشمی هفت‌رنگ و نقش عقاب‌نشان سلطنتی لهستان به سفارش موراتوویچ در کاشان، اوایل سده دهم هـ، محل نگهداری: موزه رزیدنس آلمان (Sarre & Martin, 1912: 60)

با این روایت می‌توان به جنبه چندوجهی بودن فرش زربفت در دوره صفوی پی‌برد و دریافت که این کالا از یک‌سو، ابزاری سیاسی و نمادی از تفاخر و ثروت و از سوی دیگر، کالایی تجاری بوده است که از طریق بازرگانان به بازارهای جهانی راه یافت و حتی با دربرداشتن نمادهای ملی کشورهای دیگر، نشان‌دهنده پویایی و گسترده‌گی هنر و تجارت ایران در آن دوران بوده است؛

که با ابریشم بافته شده^۸ و می‌تواند نشان از تقدیم‌نامه یا امضای استاد بر جسته‌ای بر روی آن باشد (Spuhler, 2011: 92).



تصویر ۴. قالی زربفت بافت کاشان، سده دهم هـ، محل نگهداری: کاخ روزنبرگ کپنهاگ (Spuhler, 2011: 92)

۶. نظریات شرق‌شناسان در خصوص اهدای فرش‌های

زربفت در دوره صفوی

حضور جهانگردان و شرق‌شناسان در دوره صفویه که اغلب با انگیزه‌های سیاسی، نظامی و جغرافیایی آغاز شده بود، به تدریج توجهشان را به مسائل اجتماعی و هنری ایران جلب کرد. این افراد در سفرنامه‌ها و نوشتارهای خود، علاوه بر مسائل یادشده، به توصیف فرش‌های زربفت نیز می‌پرداختند و گاهی از روی علاقه یا برای معرفی هنر ایران به سران حکومت‌های خود، از این فرش‌ها می‌خریدند و بر روی هدایای سیاسی نیز اظهار نظر داشتند؛ اما همان‌طور که در مقدمه نیز بدان اشاره شد، امر اهدای فرش‌های زربفت می‌توانست یکی از دلایل گسترش تولید فرش زربفت باشد؛ چنانچه پوپ نیز در کتاب سیری در هنر ایران به این امر اشاره می‌کند و این ایده را که فرش‌های زربفت منحصر برای اهدا به سفرا و سلاطین اروپایی بافته می‌شدند، به چالش می‌کشد. از نظر او هیچ دلیلی برای این امر که اصولاً بافت فرش‌های زربفت صرفاً به منظور اهدا و پیشکشی به سفرا و سلاطین صورت می‌گرفت، وجود ندارد و با اینکه برخی از این فرش‌ها برای رئیس دولت و نیز فرستاده شدند

پیشتر ذکر شد که فرش‌های زربفت اغلب در اندازه‌های کوچک بافته می‌شدند؛ اما استثنائاتی نیز وجود داشت و فرش‌های زربفت با ابعاد بزرگ‌تر نیز در آن زمان بافته شدند؛ برای نمونه قالی امپراتور^{۱۲} (تصویر ۴)، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و استثنایی‌ترین فرش‌های زربفت دوره صفوی معرفی شده و به شاه‌طهماسب اول و طراحی احتمالی سلطان محمد نسبت داده شده است. استفاده از پودهای نقره و کیفیت آن نیز احتمال هدیه سیاسی بودن آن را تقویت می‌کند (Martin, 1912: 117). این فرش که به نقل از پوپ، برترین اثری بوده که در زمان شاه‌طهماسب بافته شد (پرهام، ۱۳۹۹: ۷۶)، به‌عنوان سفیر فرهنگی هنر و فرهنگ ایران و به‌دلیل دقت و ظرافت بالای بافت، تجسمی از اوج هنر، ذوق و مهارت ایرانی را به رخ می‌کشید. حتی نقوش موجود در فرش‌ها (مانند صحنه‌های شکار، باغ‌ها یا عناصر طبیعت) نیز می‌توانستند حامل پیام‌ها و ارزش‌های فرهنگی خاص ایرانی باشند. وجود فرش‌های زربفت در دربار لهستان، نه تنها هنر، بلکه بخشی از سبک زندگی اشرافی و تجملاتی در ایران را نیز به نمایش می‌گذاشت و این امر می‌توانست بر سلیقه و علایق اشراف غربی نیز تأثیر بگذارد.



تصویر ۴. قالی زربفت شکارگاه (قالی امپراتور)، نیمه اول سده دهم هـ. محل بافت: کاشان، محل نگهداری: موزه هنرهای کاربردی وین، شماره اموال: T۸۳۳۶ (<http://www.islamicart.museumwnf.org>)

۷. عوامل اعتقادی تأثیرگذار بر اهدا و گسترش تولید

فرش زربفت در دوره صفوی

عوامل اعتقادی نیز همچون عوامل سیاسی-فرهنگی، از دیگر زمینه‌های مؤثر بر اهدای فرش‌های زربفت است که در گسترش تولید آن نیز در دوره صفوی نقش داشت؛ از این رو لازم است جهت ارزیابی نحوه تأثیر آن ابتدا به پیشینه مذهبی و چگونگی استقرار و استمرار مذهب شیعه در این حکومت بپردازیم. چنانچه مکتوب است، پس از نه قرن از ورود اسلام به ایران، دودمان

اما سابقه سفارش و خرید فرش‌های زربفت توسط حکومت لهستان از ایران، به پیش از تولد کاترینا بازمی‌گشت و موراتوویچ پیشتر نیز یک تخته گلیم زربفت را از ایران برای پادشاه لهستان خریده بود و چون ویژگی آن نیز همانند فرش‌های مذکور بود، می‌توان احتمال داد که منشأ بافت آن نیز به کاشان می‌رسید. که این امر نیز می‌توانست نشان‌دهنده یک رابطه فرهنگی و تجاری پایدار میان ایران و لهستان بوده باشد؛ از این رو می‌توان استنباط کرد که پیش از این سفارش‌ها، پادشاهان لهستان با فرش‌های زربفت ایران آشنایی داشت؛ زیرا در ثبت اموال خانوادگی‌شان در قرن هفدهم میلادی، این نوع فرش بیشترین تعداد را به خود اختصاص می‌داد و مجموعه سلطنتی، یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌ها را در کشور لهستان داشت و حتی سیگیسموند سوم نیز دارایی‌های چشمگیری از این فرش‌ها را از اسلاف خویش به ارث برده بود و گفته می‌شود که چندین خدمتکار، مسئول مراقبت از آن‌ها بودند. این امر نشان از وسعت تعداد فرش‌های زربفت در لهستان داشت (پوپ و آکرم، ۱۳۸۷: ۲۸۴۷)؛ بنابراین، زمانی که موراتوویچ به ایران آمد، این مجموعه از فرش نزدیک به پنجاه سال پیشتر در لهستان وجود داشت که این امر مصادف است با نیمه دوم قرن دهم هجری. پس این فرش‌ها به‌خوبی در واژگان، هنجارها و رویه‌های فرهنگی محلی لهستان ادغام شده بودند. بر این اساس پوپ همچنین معتقد است که اهدا و پیشکش، با اینکه عامل اصلی تولید فرش زربفت نبود؛ اما به‌دلیل فراوانی آن در آن دوره، نقش مهمی در گسترش تولید فرش‌های زربفت داشته است؛ به‌طوری‌که حتی معاملات تجاری با دیگر کشورها نیز به این موضوع اشاره دارند و دربار ایران نیز در آن زمان آمار هدایا و معاملات تجاری با لهستان، ونیزی‌ها، مسکوی‌ها و آلمانی‌ها را ثبت کرده بود (همان: ۲۷۸۲)؛ اما در مقابل نظریه پوپ، اشپولر این فرش‌ها را نمایی خواند و اظهار داشت که دربار ایران با هدیه دادن فرش‌های زربفت به سایر مجموعه داران اروپایی در صدد بود تا جایگاه اجتماعی و تمایز فرهنگی صاحبان اصلی خویش را افزایش دهد و از این رو اگرچه فرش‌های زربفت در ایران تولید می‌شدند اما به راحتی می‌توانستند به عنوان یک جنبه سیاسی از زندگی فرهنگی در دیگر جاها نیز مورد استفاده مجدد قرار گیرند. (Grusiecki, 2024: 240)

مطالعه هنر و فرهنگ نیز ایفا می‌کرد و باعث شد رابطه میان شیعه و فرهنگ مستحکم شود (جعفریان، ۱۴۰۰: ۸۸۹-۸۵۴)؛ در نتیجه ارتباط خوبی میان طرح‌ها و نقش‌مایه‌های هنری با قوانین ایدئولوژیک (مذهبی شیعه) برقرار شد و هنرمندان صفوی کوشیدند تا اندیشه، تفکرات و ارادت خویش را به خاندان پیامبر در آثارشان منعکس کنند. درواقع این ارتباط مستقیم میان ایدئولوژی حاکم (شیعه) و تولیدات هنری، یکی از مشخصه‌های اصلی دوره صفوی است که در کلیه آثار ایشان نمایان است. ایشان با الهام از دو اصل تشیع و ملی‌گرایی که در آن زمان در تمام شئون اجتماع راه یافته و در حال گسترش بود، توانستند به خلق اثر بپردازند و در این خصوص می‌توان به بافت فرش‌های سجاده‌ای و کتیبه‌دار ابریشمی و زربفت با عبارت‌های اسلامی و شیعی، مانند اسامی خداوند، آیات قرآنی، صلوات و اسامی ائمه و اشعاری در مدح پیامبر اسلام، امامان و پادشاه اشاره کرد که نه تنها به عنوان یک اثر هنری، بلکه ابزاری برای ابراز ارادت دینی و نمادی از تعهد حکومت به تشیع محسوب می‌شد. این گروه از فرش‌های زربفت که بافت آن‌ها از سده دهم هجری و زمان حکومت شاه طهماسب آغاز شد، بعدها به گروه فرش‌های موسوم به سالتینگ مشهور شدند. تصویر ۷، قالیچه جانمازی زربفتی را نشان می‌دهد که بخش‌هایی از کادر و قاب‌بندی‌ها و خطوط آن به شیوه بافت گلیم ساده به سبک فرش‌های موسوم به سالتینگ و با نخ گلابتون نقره بافته شده است. در چهارگوشه بالایی آن، چهار مربع که دایری بر آن محیط شده، دیده می‌شود که عبارات «لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی ولی الله» بر آن نقش بسته است. این اثر امروز در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود. این سجاده یا فرش نماز که با طرح طاقچه مرکزی، کتیبه‌های قرآنی و اسامی خداوند در حاشیه‌هایش شناخته می‌شود، با گروهی از فرش‌ها که گمان می‌رود هدایای دیپلماتیک از سوی شاه عباس اول صفوی به سلطان مراد سوم عثمانی (حکومت ۱۵۷۴-۱۵۹۵ م) بوده‌اند، مطابقت دارد. لازم به ذکر است که اهدای این فرش‌ها به کشورهای غیرشیعه (مانند عثمانی)، در روابط سیاسی می‌توانست ابعاد پیچیده‌تری از دیپلماسی فرهنگی و مذهبی را نشان دهد که گاهی نمایش قدرت مذهبی است، گاهی ابراز صلح و گاهی شاید تلاش برای تأثیرگذاری فرهنگی (The Met Museum, n.d).

صفوی با کمک و یاری ۱۳ طایفه قزلباش آن، شاه اسماعیل را به تاج و تخت رساندند. این قوم که جملگی ترک بودند؛ به دلیل تعصبی که به مذهب شیعه داشتند (این هویت شیعی، آن‌ها را از امپراتوری عثمانی که سنی‌مذهب بود، متمایز می‌کرد)، از نظر مردم ایران به عنوان یک سلسله ملی و ایرانی شناخته شدند و بیش از دو قرن بر ایران حکومت کردند و در نهایت سبب ایجاد استقلال در سیاست، مذهب و تقویت ملیت واقعی در ایران و رشد هنر و تثبیت اوضاع شدند (احسانی، ۱۳۸۶: ۱۷۸). به علاوه تشکیل دولت صفوی را می‌توان نتیجه قرن‌ها مبارزه شیعیان علیه حکومت‌های اموی، عباسی و مغول دانست و در نهایت این پیشینه تاریخی، سبب مشروعیت مذهبی صفویان شد. قدرت ایشان در ابتدای شکل‌گیری، مبتنی بر تصوف و صوفی‌گری بود و شخص شاه در رأس آن و مرشد اصلی به شمار می‌آمد که این امر به حکومت صفوی نوعی مشروعیت عرفانی و معنوی می‌بخشید. منابع سه‌گانه مشروعیت نیز در حکومت صفوی، شامل مرشد اعظم طریقت صوفیه، احیای سنت پادشاهی و نمایندگی حضرت مهدی (عج) بودند (سیوری، ۱۳۸۴: ۲). با وجود این، علمای شیعه با تصوف میانه خوبی نداشتند و آن را برای فقه شیعی مضر می‌دیدند؛ بنابراین، به مبارزه علیه آن برخاستند. این چالش میان علمای شیعه و تصوف منجر به آن شد تا با گذر زمان و حمایت علما، تشیع به عنوان مذهب رسمی و جایگزین تصوف در ساختار حکومتی تثبیت شود و این روند، مشروعیت مذهبی دولت را از یک‌سو به عرفان و از سوی دیگر به فقه شیعه پیوند زد. بدین ترتیب پایه‌گذاری دولت شیعی در ایران توسط شاه اسماعیل اول انجام گرفت و او با ایجاد کتابخانه سلطنتی در تبریز، شمار بسیاری از هنرمندان هرات را به تبریز انتقال داد؛ اما همان‌گونه که ذکر شد و ایشان به دلیل سیاست‌های مذهبی، با عثمانی و ازبک‌ها نیز میانه خوبی نداشتند، آن دسته از عالمان و هنرمندانی که بر اعتقادات خویش راسخ و استوار بودند، در عثمانی، ماوراءالنهر و حرم‌های شریف پراکنده شدند و بدین ترتیب با رفتن این افراد، زمینه تغییرات سریع مذهبی نیز در ایران فراهم شد. بدین ترتیب حکومت صفوی مبتنی بر یک جریان و تفکر مذهبی شیعه و ایدئولوژیک بود که پایه‌های آن، دو قرن پیش از سلطنت شاه اسماعیل نهاده شد. این مذهب و ایدئولوژی که مبتنی بر جهان‌بینی خاص ایشان بود، نقش بسزایی در روند

دهه اول حکومت وی، قدرت در دست امرای قزلباش بود؛ تا اینکه از ۹۴۰ هـ تا پایان حکومت پنجاه ساله اش، توانست اقتدار خود را اعمال کند. در این سال ها زندگی او با تحولاتی در زمینه اعتقادی همراه شد؛ به طوری که در حدود ۲۰ سالگی در سال ۹۳۹ هـ، هم نسبت به ترک برخی منکرات از قبیل مصرف مسکرات و تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، تأکید کرد و هم به لحاظ اجتماعی و مذهب تشیع، حساسیت بیشتری از خود بروز داد (جعفریان، ۱۴۰۰: ۸۸۷). در دوره حکومت شاه طهماسب، فرش های نفیسی، از جمله قالی های مقصود کاشانی به سال ۹۴۶ هـ و قالی شکارگاه موزه پولدی پترزولی میلان به سال ۹۴۹ هـ، بافته شدند. در این دوره علاوه بر جفت قالی مقصود کاشانی، اهدایی به بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، تعدادی گلیم ابریشمین زربفت نیز به آن مکان وقف شد که اکنون برخی از آن ها در بخش اسلامی موزه ملی ایران نگهداری می شوند (پرهام، ۱۳۹۹: ۱۰۰) (تصویر ۸-۱)



تصویر ۸



تصویر ۹



تصویر ۱۰



تصویر ۱۱

تصویر ۸-۱۱. گلیم های زربفت صفوی، محل بافت: شمال غرب ایران، محل نگهداری: بخش اسلامی موزه ملی ایران، (نگارندگان، ۱۴۰۰)



تصویر ۷. قالیچه زربفت جانمازی، اوایل یا نیمه قرن دهم هجری، محل نگهداری: موزه متروپولیتن، به شماره اموال: ۱۲۴/۱۲۰/۱۷ (<http://www.metmuseum.org>)

با وجود اینکه اسلام بر «ساده زیستی» تأکید داشت؛ اما هنرمند ایرانی در همه زمان ها معتقد بود که وظیفه او خلق و ابداع اثر هنری در بالاترین حد از کمال و جمال است و بر این اساس رونق تولید بافته های زربفت در دوره صفوی، به دلیل علاقه به زیبایی و کمال هنر، این احکام را تحت الشعاع قرار داد. به نظر می رسد که این اتفاق یک تضاد ظاهری، اما مهم بود که نشان داد چگونه در دوره های خاص، ارزش های زیبایی شناختی و درباری می توانند بر ظواهر احکام دینی غلبه کنند؛ یا حداقل تفسیر متفاوتی از آن ها ارائه دهند (توحیدی، ۱۳۹۴: ۲۷۸)؛ اما بافت فرش های زربفت در این دوره علاوه بر اهدا به سران دیگر کشورها و فروش و صادرات آن ها که در بخش قبل بدان پرداخته شد، به منظور ارج نهادن و عرض ارادت و علاقه به خاندان ائمه اطهار، امامزاده ها، بزرگان و قبور اخلاف آنان، در قالب هدیه معنوی وقف نیز تولید می شد. این جنبه، تولید فرش زربفت را به قلمرو مذهبی و دینی نیز گسترش داد و آن را به ابزاری برای ابراز تقرب به مقدسات تبدیل کرد.

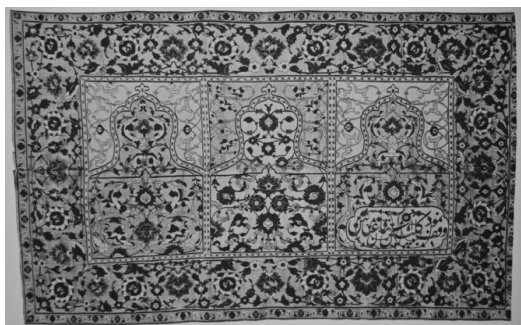
۷-۱. عوامل اعتقادی تأثیرگذار در دوره شاه طهماسب

اول

شاه طهماسب اول، در سال ۹۳۰ هـ به سلطنت رسید و در



تصویر ۱۲. قالی زریت اهدائی شاه عباس اول به حرم حضرت علی (ع)
(<http://www.asiran.com>)



تصویر ۱۳. قالی زریت سجاده‌ای مشهور به صف، اهدائی شاه عباس به حرم حضرت علی (ع)، ۱۰۳۴ هـ، مفقودی (پرهام ۱۳۹۹: ۱۰۷)

علاوه بر این مجموعه، شاه عباس اول به دلیل ارادتی که به ثامن الحج (ع) داشت، قالی زریت دیگری را که زمینه آن شبیه قالی اهدائی به دولت ونیز و حاشیه آن بسیار شبیه حاشیه قالی ابریشمی مجموعه نجف بود، به آستان رضوی اهدا کرد که احتمال می‌رود تنها قالی زریت موجود از آن دوره که در موزه آستان قدس رضوی قرار دارد، بوده باشد (تصویر ۱۴). از آنجاکه شاه عباس برای سفارشات اهدایی، شأن و حرمت ویژه‌ای قائل بود، بر تولید و بافت آن‌ها نظارت داشت. از آنجاکه بناهای

همان‌طور که ذکر شد، مراتب اخلاص به خاندان ائمه در دوره صفوی چنان بود که استفاده از آیات قرآنی و اسامی چهارده معصوم به دلیل رواج تشیع، در خلق آثار هنری به شدت باب شد و می‌توان گفت که حتی یکی از دلایل شناسایی و تشخیص فرش‌های زریت موسوم به سالتینگ از نمونه‌های بافت هرکه ترکیه که توسط مایکل فرانسس^{۱۳} با بررسی کتیبه‌های عربی تعداد زیادی از سجاده‌های موسوم به سالتینگ به عمل آمد و با درک تفاوت اعتقادی میان شیعه و سنی، به‌ویژه در سده دهم هجری مشخص شد، ذکر نام ائمه و عبارات مذهبی شیعی در فرش‌ها بود که این نشان‌دهنده هویت شیعی حاکم در آن زمان است؛ بنابراین، این فرش‌ها صرفاً کالای هنری نبودند؛ بلکه حامل پیام‌های اعتقادی و هویت‌ساز نیز بودند؛ برای مثال در کتیبه چهار عدد از فرش‌های مذکور نام امیرالمؤمنین، شش کتیبه، عبارت صلوات و چهار کتیبه، دیگر ادعیه شیعیان و در برخی دیگر نیز بخش‌هایی از مناجات پیروان شیعه بافته شده بود (Franses, 1986: 115-116). وجود نام ائمه در این بافته‌ها نشان از تعلق به مذهب تشیع و اصالت صفوی آن‌ها داشت و این مسئله خلاف مذهب تسنن عثمانی در آن زمان بود. لازم به ذکر است تمامی فرش‌های اهدائی به اماکن مقدس، الزاماً دارای نوشته و کتیبه‌های مذهبی نبودند و از طرفی دیگر، تمامی فرش‌های دارای خط و نوشته‌های مذهبی نیز اهدائی نبودند.

۷-۲. عوامل اعتقادی تأثیرگذار در دوره شاه عباس اول

ارادت شاه عباس به آستان ائمه چنان بود که در آن دوره شاهد بافت بزرگ‌ترین قالی زریت به ابعاد ۱۴ × ۹/۵ متر هستیم که در دو قطعه بافته و به یکدیگر جفت زده شده بودند (تصویر ۱۲). او این قالی را به همراه سه یا پنج تخته قالی دیگر و یک گلیم که گفته می‌شود یکی از آن‌ها ابریشمین زریت و مشتمل بر اسلیمی‌های نقره‌بافت بود و دو تخته پشمین زریت دیگر با نقش سجاده‌های پهن (چندمحرابه) مشهور به صف که بر روی آن‌ها عبارت «کلب آستان علی، عباس» بافته شده بود، در سال ۱۰۳۴ هجری وقف آستان مقدس نجف اشرف کرد. امروزه اطلاعی از سرنوشت این قالی‌ها در دست نیست؛ اما همین اقدام نشان‌دهنده اولویت این عمل معنوی برای شاه بود^{۱۴} (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۸۴۸؛ ژوله، ۱۴۰۰: ۳۴) (تصویر ۱۳).

است. آن قطعات، شامل یک میان فرش دوازده ضلعی ابریشمین به مساحت پنجاه مترمربع در دو نیمه بود (تصویر ۱۵). دوازده قالیچه ابریشمین دیگر به درازای هم ضلع این میان فرش، اطراف آن را احاطه می کردند (تصویر ۱۶). روی مزار (سنگ قبر) نیز با یک قالیچه ابریشمی زربفت پوشیده می شد (تصویر ۱۷). این مجموعه اکنون در موزه آستان قدس رضوی (س) نگهداری می شود^{۱۵} (پنجه‌باشی و کلهرودی، ۱۴۰۱: ۳۱۹-۳۲۴؛ Bennett, 1986: 18-19).



سلطنتی در آن زمان در شهرهای مرکزی، همچون کاشان و اصفهان برپا بودند، در اطلاعات شناسنامه‌ای این قالی که مکان بافت آن را مشخص اعلام کرده، تردید است.



تصویر ۱۴. قالی زربفت با طرح افشان، اواخر سده دهم هجری، محل نگهداری: موزه آستان قدس رضوی، به شماره اموال ۱۴۶۸۸ (آرشیو موزه آستان قدس)

شاردن نیز در سفرنامه خود در خصوص مراجعه‌ای که به حرم حضرت معصومه (س) داشت، در خصوص کفپوش حرم نقل کرده که: «کف بارگاه با قالی‌های پشمین گران بها و خوش بافتی پوشیده شده بود و در روزهای عید بر روی آن، قالی‌های زربفت ابریشمین پهن می کردند» (۱۳۹۳: ۵۲۵). بدین ترتیب فرش‌های زربفت، نه تنها برای وقف، بلکه برای زینت و تجلیل اماکن مقدس نیز به کار می رفتند و این امر نشان دهنده تقدس بخشی به این فرش‌ها و استفاده از آن‌ها در فضاهای معنوی بوده است.

۷-۳. عوامل اعتقادی تأثیرگذار در دوره شاه سلیمان

پس از حکومت شاه عباس اول، بافت فرش‌های زربفت با فرازونشیب‌هایی ادامه یافت؛ تا اینکه در زمان سلطنت شاه سلیمان به سال ۱۰۸۲ هـ. سفارش بافت مجموعه‌ای نفیس از فرش‌های ابریشمی و نیز زربفت به استاد نعمت‌الله جوشقانی برای آرامگاه شاه عباس دوم (پدرش) داده شد. این امر نشان دهنده تداوم سنت وقف و ارادت به خاندان صفوی و ائمه تا پایان این دوره است. عمل بافت این قالی‌ها در کارگاه‌های سلطنتی برپاشده در جوشقان و تحت نظارت آن استاد انجام گرفت. آرامگاه شاه عباس دوم نیز در شهر قم قرار دارد و بنایی دوازده ضلعی است و مجموعه فرش‌هایی که برای آن بافته شد، چهارده قطعه را شامل می شد که به استناد کتیبه یکی از قالیچه‌ها تاریخ بافت آن‌ها پنج سال پس از فوت شاه عباس دوم (۱۰۷۷ هـ.ق.)، یعنی در سال ۱۰۸۲ هـ.ق. بوده



تصویر ۱۵ و ۱۶. سمت راست: قالی دوازده ضلعی تمام ابریشم صحن آرامگاه شاه عباس دوم؛ سمت چپ: یکی از کناره‌های تمام ابریشم مقبره، عمل نعمت‌الله جوشقانی، جوشقان، نیمه دوم قرن یازدهم هـ. (آرشیو موزه آستان حضرت معصومه (س)، به شماره اموال: ۱۴۰۳)

بدین ترتیب بافت فرش‌های زربفت بنابر عوامل گوناگون در دوره صفوی گسترش یافت تا اینکه در اواخر این دوره، یعنی از دوران سلطان حسین به دلیل بی‌کفایتی دربار و شاه در اداره امور و عدم توجه به هنر، این صنعت رو به رکود گذاشت و با حمله محمود افغان، اساس آن برچیده شد؛ تاحدی که در حکومت‌های بعدی، نظیر افشار و زند نیز نشانی از تولید این بافته‌ها ثبت نشد؛ اما در دوره قاجار تاحدودی و به تقلید از شیوه بافت، طرح و نقش دوره صفوی، با تولید محدودی از فرش‌هایی مواجه شدیم که یادآور فرش‌های زربفت و ابریشمین روزگار پیشین بودند؛ اما تفاوتی در سبک بافت، اجرا و مواد مصرفی آن‌ها ایجاد شده که موجب تمیز دادن فرش‌های زربفت دوره صفوی و قاجار از یکدیگر می‌شد. با این همه، از این بافته‌ها جز با بیان معرفی کلی از آن‌ها در منابع مکتوب و نمونه‌هایی معدود در چندین موزه داخلی و خارجی و مجموعه شخصی، اطلاعات چندانی در دست نیست. جدول ۱، براساس روایات مکتوب، به ارزیابی فرش‌های زربفتی که به دلایل مختلف از حکومت ایران به دیگر سرزمین‌ها اهدا شدند یا سفارشی بودند و در کشور مقصد کاربرد هدیه پیدا کردند، می‌پردازد.



تصویر ۱۷. عکس سیاه و سفید و رنگی روپوش قبر، تمام ابریشم و زربفت، جوشقان، نیمه دوم قرن یازدهم هـ. (آرشیو موزه آستان حضرت معصومه (س)، شماره اموال: ۲۴۳۱)

جدول ۱. سنجش فراوانی و عوامل مؤثر بر اهدای فرش‌های زربفت در دوره صفوی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

ردیف	مناسبت	زمینه‌های مؤثر بر تولید فرش‌های زربفت اهدایی و سفارشی		تعداد فرش زربفت	اهداکننده یا سفارش‌دهنده	گیرنده پیشگشی	منبع
		سیاسی - فرهنگی	اعتقادی				
۱	سال ۹۵۰ هـ. مصادف با پناهندگی و حضور سلطان همایون به دربار ایران	-		یک تخته	شاه طهماسب	همایون گورکانی	فریه، ۱۳۷۴: ۱۲۳
۲	قالی زربفت جوشقان و کرمان در زمان پناهندگی سلطان بایزید در قزوین	-		نامعلوم	شاه طهماسب	سلطان بایزید، پسر سلیمان عثمانی	ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۰۲
۳	اهدای تعدادی قالی ابریشمین و زربفت به مسجد جامع نوینباد سلیمانیه، سال ۹۷۵ هـ.	-	-	بیست عدد قالی ابریشم و تعدادی زربفت	شاه طهماسب	مسجد جامع سلیمانیه در قسطنطنیه	Hammer 1963: 520
۴	اهدای قالی‌های ابریشمین و زربفت کرمان و جوشقان	-		نامعلوم	شاه عباس اول	سفیر عثمانی	پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۷۴۱

ردیف	مناسبت	زمینه‌های مؤثر بر تولید فرش‌های زربفت اهدایی و سفارشی		تعداد فرش زربفت	اهداکننده یا سفارش‌دهنده	گیرنده پیشگشی	منبع
		سیاسی - فرهنگی	اعتقادی				
۵	اهدای قالی ابریشمین زربفت به مناسبت تولد پادشاه لهستان	-		یک تخته	یک نجیب‌زاده اهل کراکوف	ژان سوبسکی سوم	بختیاری و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۹
۶	قالی‌های ابریشمین و زردوزی‌شده اهدائی شاه عباس اول به مهمانان خارجی در دربار	-		چهار تخته	شاه عباس اول	مهمانان خارجی	شرلی، ۱۳۷۸: ۵۷
۷	سفارش بافت پنج تخته فرش (قالی و گلیم) زربفت توسط موراتویچ، نماینده پادشاه لهستان در زمان شاه عباس اول	-		چهار تخته گلیم و یک قالی	سیگسیسموند سوم	اهدا به کاترینا کونستانزا، دختر پادشاه لهستان	Spuhler, 2011: 89
۸	اهدای قالی‌های جوشقان و کرمان	-	-	نامعلوم	شاه عباس اول	آستان قدس رضوی	ترکمان، ۱۳۸۲: ۴۲۹
۹	به مناسبت به پادشاهی‌رسیدن مارینو گریمانی، پادشاه ونیز	-		پنج تخته قالی	سفیر شاه عباس اول	مارینو گریمانی	پرهام، ۱۳۹۹: ۱۰۵
۱۰	هدایائی از سوی شاه عباس به پادشاه ایتالیا	-		نامعلوم	فتحی‌بیگ، سفیر شاه عباس	گنجینه مارک سنت، ایتالیا	Banas 2011: 3
۱۱	اهدای فرش‌های طرح سجاده‌ای یا فرش نماز، با کتابچه‌های قرآنی و اسامی خداوند	-	-	نامعلوم	شاه عباس اول	سلطان مراد سوم عثمانی	https://www. metmuseum. org/art/collection
۱۲	اهدای گلیم ابریشمین زربفت	-	-	چهار تخته	شاه عباس اول	وقف بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی	پرهام، ۱۳۹۹: ۱۰۰
۱۳	اهدای تعدادی قالی و گلیم زربفت	-	-	چهار تخته	شاه عباس اول	حرم حضرت (علی‌ع)	پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۸۴۸
۱۴	اهدای قالی زربفت	-	-	یک تخته	شاه عباس اول	آستان قدس رضوی	آرشیو موزه آستان قدس رضوی)
۱۵	اهدای قالی‌های زربفت ابریشمین	-	-	تعدادی	شاه عباس اول	حرم حضرت معصومه (س)	شاردن، ۱۳۹۳: ۵۲۵
۱۶	اهدای قالی ابریشمین زربفت با گلابتون‌های طلا و نقره	-		یک تخته	توسط یک نجیب‌زاده اهل کراکوف	به مناسبت تولد ژان سوبسکی سوم پادشاه لهستان	بختیاری و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۹
۱۷	اهدای قالی‌های ابریشمین و زربفت منسوب به پولونز، ایران به دوک فردریک هولشتاین گوتورپ احتمالاً به مناسبت تاجگذاری	-		تعداد شش یا هفت تخته	توسط سفارت شاه صفی	خانواده سلطنتی دانمارک	Franses, 2008 : 18
۱۸	بافت روپوش قالی زربفت مقبره	-	-	یک تخته	شاه سلیمان	مقبره شاه عباس دوم در قم	Bennett, (1986: 18-19)

عامل نیز متأثر از آرامش کشور و ویژگی‌های مساعد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناشی از ارتباط با کشورهای مجاور و اروپا بود که خلاقیت را در رأس کار هنرمندان این دوره در تمام زمینه‌ها، قرار می‌داد. به علاوه تداوم و عمر طولانی این حکومت همراه با تقویت ظرفیت‌های مذهبی و فرهنگی آن موجب تقویت و تحکیم سنت هنری آن شد. ایشان علاوه بر تجارت و صادرات اقلام تولیدی، نظیر فرش‌های زربفت و ابریشمین، به منظور برقراری و تحکیم روابط سیاسی میان ایران با دیگر کشورها، اقدام به ارسال و اهدای پیشکشی به سفرا و سران کشورهای همسایه و اروپا می‌کردند و این یک اقدام سیاسی آشکار برای نشان‌دادن حسن نیت، احترام و تمایل به برقراری یا تحکیم روابط با طرف مقابل محسوب می‌شد. این هدیه، فراتر از ارزش مادی، پیام‌دهنده اهمیت بود که ایران برای رابطه با آن کشور داشت. گاهی اوقات نیز هدف از اهدای این فرش‌ها، فراتر از دوستی صرف بود؛ زیرا این فرش‌ها می‌توانستند به عنوان ابزاری برای کسب امتیازات سیاسی، تجاری یا ایجاد وجهه مطلوب در روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرند و با افزایش جایگاه اجتماعی و تمایز فرهنگی طرف مقابل، زمینه را برای پیشبرد اهداف سیاسی ایران نیز فراهم آورند. به علاوه اهدای هدایای نفیس، به‌ویژه در آن دوران، روشی برای نشان‌دادن قدرت، ثروت و جایگاه بالای یک امپراتوری بود و فرش زربفت به عنوان کالایی نفیس و هنری، به‌خوبی این پیام را منتقل و به تثبیت جایگاه ایران به عنوان یک قدرت فرهنگی و هنری در سطح بین‌المللی کمک می‌کرد. اهدای این فرش‌ها به کشورهای غیرشیعه (مانند عثمانی)، در روابط سیاسی می‌توانست ابعاد پیچیده‌تری از دیپلماسی فرهنگی و مذهبی را نشان دهد که گاهی نمایش قدرت مذهبی است، گاهی ابراز صلح و گاهی شاید تلاش برای تأثیرگذاری فرهنگی. در کنار این موارد، «تشیع» نیز صرفاً یک باور مذهبی نبود؛ بلکه به رکن اصلی هویت ملی و سیاسی صفویان تبدیل شد؛ تاجایی که ساختارهای سیاسی و اعتقادی، مستقیماً بر جهت‌گیری و محتوای تولیدات هنری تأثیر گذاشتند و نوشته‌های مذهبی در آثار هنری، از جمله فرش‌های زربفت راه یافتند که همین امر وجه تمایز قالی‌های سالتینگ از نمونه‌های بافت هرکه ترکیه بود. ارادت حاکمان صفوی به خاندان پیامبر نیز سبب شد تا فرش‌های زربفتی، ویژه بقاع متبرکه بافته و تقدیم

مشاهده این جدول به‌خوبی نشان می‌دهد که فرش زربفت در دوره صفوی، فراتر از یک کالای هنری با ارزش، ابزاری قدرتمند در دست شاهان صفوی برای پیشبرد اهداف سیاسی، تحکیم روابط، نمایش اقتدار فرهنگی و مذهبی ایران، ترویج مذهب و فرهنگ دربار و ابراز ارادت به مقدسات بوده است. تمرکز ایشان، به‌ویژه شاه طهماسب و شاه عباس اول، بر استفاده از این هنر در مناسبت‌های مختلف، اهمیت ویژه آن را در آن دوره به‌خوبی روشن می‌کند. مقایسه فراوانی فرش‌های اهدایی نشان می‌دهد که در زمان شاه عباس اول نسبت به بقیه پادشاهان این دوره، اهدا، بیشتر صورت گرفته است. این فرش‌ها سفیران خاموشی بودند که داستان هنر، فرهنگ، ثروت و گاهی نیت سیاسی ایران را به دورترین نقاط اروپا می‌رساندند و پراکندگی گیرندگان این هدایا نیز از دربار عثمانی و لهستان گرفته تا ایتالیا، دانمارک، مساجد قسطنطنیه و اماکن مقدس در داخل و خارج از ایران، نشان از گستردگی روابط سیاسی-فرهنگی ایران صفوی در آن دوره دارد. لازم به ذکر است که از اغلب فرش‌های مذکور، جز اشاره در منابع و کتب، تصویری ثبت نشده و از سرنوشت برخی که تصویر آن‌ها موجود است نیز خبری نیست (همچون قالی سجاده‌ای مشهور به صف). در نتیجه امروزه تعداد کمی از این فرش‌ها قابل دسترسی و یا مشاهده هستند.

نتیجه‌گیری

علاقه پادشاهان صفوی به هنر و هنرمندان و ارج نهادن به هنر که فرش نیز از این قاعده مستثنی نبود، ضمن بسترسازی و گسترش ساختار فرهنگی و هنری، چه به لحاظ فنی و کمی و نیز شکل‌گیری کارگاه‌های شاهی به صورت منسجم و هماهنگ در اصفهان، کاشان، جوشقان، کرمان، تبریز و هرات از نتایج سیاست‌های فرهنگی این حکومت بوده است. در این دوره، خاندان سلطنت و طبقات فرادست به عنوان حامی اصلی هنرهایی چون فرش به شمار می‌آمدند و تولید فرش زربفت نیز، تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی-فرهنگی و اعتقادی قرار داشته است. در این زمان هنر براساس دو شاخصه مذهب تشیع و احیای هویت ملی، به کیفیت، بیان و حتی پیام خاصی تبدیل شد و با نگاه به گذشته و آینده در سایه توجهات حکومت توانست به زنده کردن هنرهایی همچون فرش زربفت بپردازد که این

13- Michael Franses

۱۴- البته ناصرالدین شاه در سفرنامه خویش از عتبات عالیات، با مشاهده این فرش‌ها در سال ۱۲۸۷ هـ وضعیت آن‌ها را کاملاً سالم اعلام کرده؛ گویی که تازه از کارخانه بیرون آمده‌اند (قاضی‌ها، ۱۳۸۱: ۱۲۵).

۱۵- از نظر هرتسفلد و یاکوبسی و به نقل از پوپ، شاه عباس دوم در سیاست محکوم به شکست بود؛ اما به دلیل تقرب به ملاها و نیز سخاوتهایی که برای مساجد انجام می‌داد، تقدس یافت و بدین جهت این مجموعه قالی برای آرامگاه وی بافته شد (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۷۴۹-۲۷۴۷).

منابع و مآخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۸۷). *عیون اخبار الرضا*. مترجم: حمیدرضا مستفید، جلد دوم، تهران: جهان.
- اتینگهاوزن، ریچارد؛ یارشاطر، احسان (۱۳۷۹). *اوج‌های درخشان هنر/ایران*. تهران: آگه.
- احسانی، محمدتقی (۱۳۸۶). *هفت‌هزارسال هنر فلزکاری در ایران*. تهران: علمی و فرهنگی.
- اشپولر، فردریش (۱۳۹۷). *فرش‌های پیش از اسلام و منسوجاتی از خاورزمین*. مترجم: رضوان احمدی‌پیام و معصومه طوسی، تهران: سمت.
- اعتمادزاده به‌آذین، محمود (۱۳۵۶). *قالی ایران*. چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی ایران.
- اکبری، مهدیه (۱۳۹۴). *بررسی فرش‌های دوره صفویه و قاجاریه: در موزه آستان قدس رضوی*. تهران: سایه‌بان هنر.
- بختیاری، سهیلا؛ رضازاده، طاهر؛ شادلو، داود (۱۴۰۱). «بررسی عوامل مؤثر در فرش‌اندوزی اروپاییان در دوره صفوی (سده دهم و یازدهم هجری)». *هنرهای صناعی ایران*، سال پنجم، شماره دوم، صص. ۴۹-۶۴.
- پرایس، کریستین (۱۳۹۱). *تاریخ هنر اسلامی*. مترجم: مسعود رجب‌نیا، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- پرهام، سیروس (۱۳۹۹). *فرش و فرش‌بافی در ایران*. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- پنجه‌باشی، الهه؛ کلهرودی، الهام (۱۴۰۱). تأملی بر مطالعه ساختاری فرش دوازده ضلعی مقبره شاه عباس دوم.

بارگاه ایشان شود و این امر دلیلی برای گسترش بافت فرش‌های زربفت در دوره صفوی باشد.

پی‌نوشت‌ها:

1- Salting Carpets

قالی‌های موسوم به سالتینگ که بافت آن‌ها از اوایل سده دهم هجری آغاز شده بود، دارای نقوش گیاهی، جانوری و کتیبه‌هایی مزین به اشعار یا متون فارسی و همان‌طور که ذکر شد، عبارات عربی بودند و چون بعدها در تملک شخصی انگلیسی به نام جرج سالتینگ قرار گرفتند، به این نام شهرت یافتند تا اینکه به‌عمد یا سهو در دهه سیزدهم هجری، اعلام شد که این قالی‌ها در سده دوازدهم در هرکه ترکیه بافته شده‌اند. این ادعا تا مدت‌ها مورد تأیید شرق‌شناسان بود تا با اثبات این مطلب که بافندگی هرکه تا سال ۱۳۰۷ مختص پارچه‌های ابریشمین بوده و فرش‌بافی در آن از ۱۳۰۸ هجری شروع شده، اولین گمانه‌ها در رد این نظریه مطرح شد و با ارائه گزارش‌هایی به مجمع بین‌المللی فرش در سال ۱۹۹۶ م. بر این نظریه مهر پایان زده شد (Mills, 1999: 8-9).

2- Polonaise Carpets

3- Marino Grimani

4- Judasz Tadeusz Krusinski

5- Jan III Sobieski

6- Herzogtum Schleswig-Holstein-Gottorf

7- Rosenborg Castle

۸- به تفسیر اشپولر، شاه‌رخ می‌تواند نام یک مرد در فارسی باشد و اگر حروف آن را جداگانه در نظر بگیریم، کلماتی آشنا در شعر هستند و چیزی شبیه مرد جوان و چهره زیباست (۲۰۱۱: ۹۲).

9- Sigismund III Vasa

10- Safar Muratovic

11- Katerina Constanta

۱۲- علت نامگذاری این قالی به نام امپراتور این است که به احتمال زیاد این قالی به عنوان هدیه پتر کبیر به لئوپولد اول (امپراتور هلند و اتریش، مجارستان و بوهم) در سال ۱۶۹۶ م. به وین فرستاده شده بود (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۸۳۶).

- قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۸۱). *سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه به قم* (۱۳۰۹-۱۲۶۶ هجری). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- کرزن، لرد ناتیل (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. مترجم: وحید مازندرانی، جلد دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کریمی، مینا؛ بخشنده‌فرد، حمیدرضا؛ ابراهیمی علویجه، مهدی (۱۴۰۴). «فن‌شناسی و آسیب‌شناسی قالی زربافت سالتینگ موزه فرش ایران». *هنرهای صناعی ایران*، شماره ۱، صص. ۷۳-۸۸.
- ملکوتی، نداسادات؛ زکریایی کرمانی، ایمان؛ ابراهیمی علویجه، مهدی (۱۳۹۹). *قالی‌های زربفت صفوی*. تهران: جمال هنر.
- نصیری، محمدجواد (۱۳۷۴). *سیری در هنر قالی‌بافی ایران*. تهران: مؤلف.
- Banas. Paulina, "Iranian Textiles And Politics of Identify in Eastern Europe", a Journal of Cross-discliplinary Inquiry, (2011).
- Bennett, I, "Denmmartk's Coronation Carpets", Halli, (1986), no. 32.
- Franes. Michael, "Some Wool Pile Persian-Design Niche Rugs", *Oriental Carpets and Textile Studies*, California, (1986), Vol. II
- Franes. Michael, "Auseu of Masterpieces Safavid Carpet in the museum of Islamic Art, Qatar". *Hali Issue 155*, (2008), pp 1-37.
- F. Sarre - F. R. Martin, *Meisterwerken Muhammedanischer Kunst In Munchen 1910*, (1. Band): *Miniaturen und Buchkunst, die Teppiche* - München: F. Bruckmann A.-G, (1912).
- Grusiecki. Tomas, "Sigismund III of Poland, Persian Carpets, and the Pitfalls of Provenience". In Book, *The Routledge Companion to Global Renaissance Art*. Pp 233- 252. Boise State University. (2024).
- Hammer-Purgstall, J. V., "Geschichte des Osanischen Reiche Rugs", Graz, 1963.

- پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، دوره پنجم، شماره ۲، صص. ۳۱۸-۳۴۰.
- پوپ، آرتور؛ آکرمن، فیلیس (۱۳۸۰). *شاهکارهای هنر ایران*. نگارش: پرویز خانلری، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____؛ _____ (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*. جلدهای ششم تا دوازدهم، زیر نظر سیروس پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۲). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. جلد یکم و دوم، تنظیم ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- توحیدی، فائق (۱۳۹۴). *فن و هنر فلزکاری در ایران*. تهران: سمت.
- جعفریان، رسول (۱۴۰۰). *تاریخ ایران از آغاز اسلام تا پایان صفویان*. چاپ سوم، تهران: علم.
- چیت‌سازیان، امیرحسین (۱۳۸۸). *نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان*. تهران: سروش.
- دانشگاه کمبریج (۱۳۹۳). *تاریخ ایران دوره صفویان*. مترجم: یعقوب آژند، چاپ ششم، تهران: جامی.
- رکنی، محمدامین؛ آدام یاشکوفسکی، ستانیسواف (۱۳۹۳). «روابط ایران و لهستان در عهد صفویه». *پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره ششم، شماره ۲، صص. ۷۹-۹۸.
- ژوله، تورج (۱۳۹۲). *شناخت فرش: برخی مبانی نظری و زیرساخت‌های فکری*. مترجم: سونیا رضاپور، تهران: یساولی.
- _____ (۱۴۰۰). *گنجینه ملی فرش ایران*. با همکاری سیروس پرهام، تهران: یساولی.
- سیوری، راجر (۱۳۸۴). *ایران عصر صفوی*. مترجم: کامبیز عزیزی، چاپ سیزده تهران: مرکز
- شاردن، ژان (۱۳۹۳). *سفرنامه شوالیه شاردن*. مترجم: اقبال یغمایی، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: طوس.
- شرلی، آنتونی (۱۳۷۸). *سفرنامه برادران شرلی*. مترجم: آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران: به‌دید.
- صفاکیش، حمیدرضا (۱۳۹۰). *صفویان در گذرگاه تاریخ*. تهران: سخن.
- فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*. مترجم: پرویز مرزبان، تهران: فروزان.

- Martin,F, “The Miniature Painting and Painters Of Persia, India and Turkey, from the 8th to the 18th Century”, London, (1912).
 - Mills,J., “The Salting Group : A History and Clarification”, Oriental Carpet and Textile Studies, (1999), Voll.II.
 - Spuhler. Friedrich, “ Four So- Called Polish Rugs in the Rijksmuseum”/ pp 89- 98/(2011)
- بولتن موزه
- <https://www.asriran.com/> عباس قالی زربفت اهدایی شاه (اول به حرم حضرت علی ع)
 - https://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=object;EPM;at;Mus21;46;en فرش شکارگاه موزه وین
 - <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/446951/2025> /قالیچه جانماز
 - <https://www.Pdf-Book.Net> / سلسله صفوی از ابتدا تا انتها